

یادداشت دیپلمات‌های سابق ایرانی و آمریکایی:

توافقی که نباید به شکست بینجامد

توافقنامه موقتی بین ایران و قدرت‌های جهانی و اجرای صادقانه آن فرصتی بارز است که نباید از دست رود زیرا در غیر اینصورت تبدیل به شکستی با وسعتی غیرقابل تصور خواهد شد.

تاریخ: ۱۸ آذر ۱۳۹۳ - ۱۱:۰۴

کد خبر: ۴۷۶۳۳



به گزارش [ایران اکونومیست](#)، سید حسین موسویان، مذاکره کننده هسته‌ای سابق ایران و سفیر سابق کشورمان در آلمان؛ دانیل کورتزر، سفیر سابق آمریکا در مصر و اسرائیل؛ و نیز توماس پیکرینگ، معاون سابق وزیر خارجه آمریکا و سفیر سابق این کشور در اسرائیل، سازمان ملل، روسیه، هند و اردن در یادداشتی در پایگاه خبری تحلیلی المانیور به بررسی ضرورت اجرای کامل و دقیق مفاد و تعهدات توافقنامه موقتی و هشدار درباره عواقب تأخیر و یا قصور در پیاده‌سازی الزامات ناشی از آن پرداختند. این سه دیپلمات ایران و آمریکایی می‌نویسند:

برنامه اقدام مشترک که در ژنو امضاء شد بیانگر گامی جدی به سوی خنثی کردن مناقشه طولانی‌مدت بین ایران و غرب بر سر برنامه هسته‌ای ایران است. هر دو طرف مذاکراتی جدی توأم با حسن نیت داشته، بر مسائل ماهوی فائق آمده و در عین حال به توافقی مهم دست یافتند.

با این حال، برای اینکه توافقنامه موقت کارآمد باشد هر دو طرف باید به صراحت خود را متعهد به اجرای به موقع و کامل الزامات کنند. هیچ جایی برای تأخیر، ابهام و بهانه‌جویی وجود ندارد. این امر تنها مسأله اعتماد سازی و یا حسن نیت نیست. درست است که یک توافقنامه موقت منعقد شده است، اما در پشت پرده بیش از 30 سال بی‌اعتمادی و خصومت بین ایران و غرب وجود دارد. بی‌اعتمادی و حس قربانی شدن که قبل از این توافقنامه شایع بود و نیز حس دو سویه مبنی بر اینکه طرف دیگر به تعهدات خود عمل نکرده و یا بدتر از آن، تقلب خواهد کرد، را نمی‌تواند به صورتی مطلوب و خوشایند متصور شد.

شکست در پیاده‌سازی دقیق این توافقنامه موقتی برای ایران و جامعه بین‌المللی پیامدهایی بسیار جدی به دنبال خواهد داشت. اگر ایران کارهایی را که متعهد به آنها است نتواند انجام دهد، مخالفین خواهند گفت که این امر نشانه‌ای است دال بر اینکه ایران از توافقنامه موقتی تنها برای خریدن زمان به منظور دستیابی به توانمندی تسلیحات هسته‌ای استفاده می‌کند. اگر ایران نتواند درباره تمام این تأسیسات همانگونه که آژانس درخواست کرده صادقانه رفتار کند، چنین قلمداد خواهد شد که این مذاکرات ساختگی بودند.

در همین حین، اگر غرب تحریم‌های مشخص شده را برطرف نسازد و با بدتر از آن کنگره آمریکا و یا هر کشور دیگری تحریم‌های بیشتری را در این شش ماه اعمال کنند، این امر نشانه روشنی خواهد بود مبنی بر اینکه

غرب به توافقنامه مذاکره شده علاقه‌ای ندارد و آمریکا نیز از سیاست تغییر رژیم دور نشده است.

مهمترین کاری که دو طرف باید هم‌اکنون انجام دهند متقاعد ساختن جهان درباره معتبر بودن این توافق است - این توافق برای طرفین عالی و کامل نیست اما حداقل الزامات هر دو طرف را در خود گنجانده است. در غیر این صورت، صدای بدبین‌ها و مخالفین توافقنامه بلندتر از علاقه‌مندان به کارآمد بودن آن خواهد بود. بدبین‌ها و مخالفین هم در تهران و هم در بسیاری از پایتخت‌ها شامل واشنگتن به وفور یافت می‌شوند.

در آمریکا، مخالفت داخلی درباره توافقنامه و نیز رفتار ایرانی‌ها، به دلیل بیم و هراس اسرائیل و عربستان، متحدین نزدیک این کشور، تقویت شده است. نارضایتی عمیق در بیت‌المقدس و ریاض ملموس و بدیهی است زیرا هر دو کشور ایران را به عنوان یک دشمن مرگبار می‌بینند که کمر به نابودی اسرائیل و هژمونی منطقه‌ای بسته است. در ایران، مخالفت داخلی با این معاهده و نگرانی مرتبط با سیاست‌های آمریکا، در دوره اول زمامداری اوباما تقویت شده و اقدامات اسرائیل نیز که حق ایران برای غنی‌سازی ذخایر اورانیوم به عنوان انرژی را به چالش کشیده، این مخالفت را شدت بخشیده است.

بنابراین، اگر دو طرف نتوانند الزامات معاهده را به جای آورند، توافقنامه سریعاً به عنوان یک شکست تلقی خواهد شد - و پیامدهای چنین شکستی باید قبل از وقوع آن فهمیده شود. اولین دفعه‌ای که ایران بازرسی‌ها را به تأخیر اندازد، تعهدات خود را به جا نیاورد، سعی کند قبل از پیاده‌سازی بخشی از معاهده زمان بخرد یا، بدتر از اینها، با عدم گزارش اقداماتی که در توافقنامه مجاز شمرده نشده‌اند، مرتکب نیرنگ شود، کشورهای گروه 3+3 (آلمان، فرانسه، انگلستان بعلاوه چین، روسیه و آمریکا) نه تنها فوراً تحریم‌ها را دوباره اعمال و تقویت خواهند کرد، بلکه سریعاً به شورای امنیت سازمان ملل رجوع کرده و احتمالاً قوی‌ترین قطعنامه ممکن را به تصویب خواهند رساند که مجوز اقدام اصلاحی بر اساس ماده 7 را نیز می‌دهد - یعنی اجازه اقدام نظامی.

در مقابل، اگر تعهداتی که توسط گروه 3+3 بر عهده گرفته شده به صورت دقیق یا در زمان مقرر اجراء نشوند، ایران احساس خواهد کرد که حق دارد تصمیماتی یکجانبه درباره آینده برنامه هسته‌ای‌اش اتخاذ کند. اگرچه احتمال نمی‌رود که ایران از پشتیبانی شورای امنیت برای تأیید این حق بهره‌مند شود، اما این کشور در صدد جلب حمایت مجمع عمومی سازمان ملل خواهد بود و احتمالاً سیاست خارجی مقابله جویانه‌ای را علیه آمریکا و غرب در پیش گیرد.

حتی با پیاده‌سازی بی عیب و نقص این توافقنامه موقتی، هیچ اطمینانی وجود ندارد که بتوان در عرض شش ماه آتی به توافق دائمی دست یافت. اختلاف‌نظرها بین دو طرف هنوز گسترده و عمیق هستند. اگر یک توافق دائمی حاصل نشود، به احتمال زیاد بحران در شش ماه آتی شدید و انفجارآمیز بوده و مخالفین توافقنامه موقتی موضعی برحق بدست خواهند آورد.

اما برای امید به دستیابی به توافقنامه‌ای دائمی، باید "قانون‌نامه‌ای" متعاقب این توافقنامه موقتی صادر شود. امروز، ایران و گروه 3+3 باید سیاستی قاطع اتخاذ کنند مبنی بر اینکه تأخیر و یا قصور در اجرای توافقنامه موقتی به هیچ وجه تحمل نخواهد شد.

پیاده‌سازی کامل و سر موعده این توافقنامه نه تنها منجر به اعتمادسازی و اعتبارآفرینی می‌شود اما همچنین فضا و چشم‌انداز دستیابی به یک توافقنامه نهایی را در شش ماه آتی به میزان زیادی بهبود خواهد بخشید. چنین روندی همکاری سازنده بین ایران و قدرت‌های جهانی را در سایر بحران‌های خاورمیانه به مانند سوریه، افغانستان و عراق تسهیل خواهد کرد. توافقنامه موقتی - و اجرای صادقانه آن - فرصتی بارز است که نباید از

دست رود زیرا در غیر اینصورت تبدیل به شکستی با وسعتی غیرقابل باور تصور خواهد شد.

تسنیم